

معیار شهرت عمومی در دعاوی مسؤولیت مدنی ناشی از بدگویی و نقض حریم خصوصی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)

زهرا تخشید*

پست دکتری تدریس حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه هاروارد، ایالت متحده آمریکا

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۲

دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹

چکیده

یکی از اهداف نظام‌های حقوقی پاسداری از حیثیت، اعتبار و حریم خصوصی افراد جامعه است. از دیگر سو، لزوم در نظر گرفتن نفع جامعه در کسب اطلاعات و آزادی بیان انکارناپذیر است. تقابل این دو آرمان می‌تواند موجب طرح دعاوی جبران خسارت مدنی شود. در حقوق مسؤولیت مدنی آمریکا، با تفکیک شخصیت‌های مشهور از سایر افراد، کوشش شده است تا تعادلی نسبی میان حق بر آزادی بیان و اطلاع رسانی، از یک سو و حق بر جبران خسارت به دلیل لطمه به حیثیت، از دیگر سو برقرار شود. این مقاله بر آن باور است که دادگاه‌های مدنی ایران می‌توانند در دعاوی جبران خسارت از سوی اشخاص مشهور، برای صدور رأی به جبران خسارت به دلیل ورود ضرر معنوی و آسیب به حیثیت این دسته از اشخاص، معیار سرسختانه‌تری را اعمال کنند. اعمال معیار شهرت عمومی در عرصه مسؤولیت مدنی بستر تبادل آسان‌تر اطلاعات را فراهم و از طرح پاره‌ای دعاوی در نظام

قضایی پیشگیری خواهد کرد. این رویکرد البته لطمه‌ای به امکان جبران خسارت افراد، که نیاز بیشتری به حمایت قانونی دارند، وارد نمی‌کند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، شهرت عمومی، حیثیت، حریم خصوصی.

۱. درآمد

نظام‌های حقوقی برای تضمین و حمایت از حیثیت و حریم خصوصی سازوکارهایی را در نظر گرفته‌اند. نظام حقوقی ایران دو ضمانت اجرای حقوقی و کیفری برای نقض آن پیش‌بینی کرده است. در ایران ضمانت اجرای کیفری در قالب جرایمی از قبیل ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی بدون حکم قانون،^۱ افشای اسرار حرفه‌ای،^۲ نشر اکاذیب،^۳ توهین^۴ و افترا^۵ فراهم آمده است. افزون بر این، به دلیل احتمال استفاده از مطبوعات به منزله ابزاری برای لطمه به حیثیت اشخاص، در قانون مطبوعات نیز مواردی مشخص جرم‌انگاری شده‌اند.^۶

علاوه بر ضمانت اجرای کیفری، ضمانت اجرای مدنی نیز در قوانین موضوعه ایران قابل مشاهده است. برای نمونه می‌توان به ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اشاره داشت. مطابق ماده ۸ این قانون نیز «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد

۱. ماده ۵۸۲ قانون تعزیرات.

۲. ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات.

۳. ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات.

۴. ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات.

۵. ماده ۶۹۷ قانون تعزیرات.

۶. نک. ماده ۳۵ و ماده ۲۳ قانون مطبوعات.



مسئول جبران آن است». بدین ترتیب، نظام حقوق خصوصی ایران راه را برای جبران ضرر معنوی مهیا کرده است.

در حقوق آمریکا، که دارای نظام حقوقی فدرال است، حمایت از حیثیت در بستری متفاوت صورت می‌گیرد. در این کشور، توهین و افترا در قوانین فدرال جرم نیست و تنها می‌تواند ضمانت مدنی به همراه داشته باشد. در برخی ایالات افترا را جرم انگاشته‌اند، اما بیشتر این قوانین به شکل گسترده رها شده و عمدتاً در کتب قانونی باقی مانده است و در اکثر موارد قابلیت استناد ندارند.^۱ در حال حاضر، ضمانت اجرای مدنی مهم‌ترین و در غالب موارد تنها ضمانت اجرای موجود در این نظام حقوقی است، اما حمایت از حریم خصوصی، علاوه بر ضمانت اجراهای نظام کامن‌لا، در برخی قوانین مصوب فدرال نیز جلوه پیدا کرده است. برای نمونه، قوانینی که استراق سمع مکالمات تلفنی را غیر قانونی می‌دانند، ضمانت اجرای کیفری و حقوقی برای حمایت از آن پیش‌بینی کرده‌اند.^۲

ممکن است حمایت از حیثیت و حریم خصوصی افراد با برخی منافع اجتماعی، از جمله جریان آزاد اطلاعات^۳ و نشر افکار،^۴ تقابل پیدا کند. آزادی اطلاعات و نشر افکار از جمله پیش‌نیازهای جوامع مدنی هستند که نظام‌های حقوقی از آنها پاسداری می‌کنند. برای نمونه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لزوم «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر»^۵ اذعان کرده است.^۱

۱. برای فهرستی از این ایالات، نک: <https://cpj.org/reports/2016/03/north-america.php>

۲. برای ملاحظه یکی از قوانین فدرال در این زمینه، نک:

18 U.S.C. §2510 (Wire and Electronic Communications Interception and Interception of Oral Communications (<https://www.law.cornell.edu/uscode/text/18/part-I/chapter-119>).

۳. اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴. اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵. اصل سوم، بند دو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

این تقابل به‌ویژه در زمان ظهور شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خبری برخط (آنلاین) اهمیتی بسیار بیشتر پیدا کرده است.^۲ در این صورت، آیا امکان برقراری یک توازن موجه در این خصوص وجود دارد؟ به دیگر سخن، آیا می‌توان با تعیین معیار یا معیارهایی از حق بر آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات در جامعه، در عین پاسداری از حیثیت و حریم خصوصی افراد، حمایت کرد؟ برای نمونه، امروزه شاهد آن هستیم که بسیاری از چهره‌های صاحب نفوذ در جامعه عکس‌هایی گوناگون از خود در فضای مجازی منتشر می‌کنند که در صورت فعال کردن گزینه عمومی،^۳ برای همگان قابل دسترس است. آیا معیار نقض حریم شخصی فرد صاحب نام با افراد عادی برابر است؟ یا می‌توان به دلیل توان فرد صاحب نام در نفوذ در افکار عمومی معیار سرسختانه‌تری برای طرح دعوا از سوی وی اعمال کرد؟ نظام حقوقی آمریکا با شناسایی معیار «اشخاص عمومی» تلاش کرده است تا توازنی میان حقوق فردی و منافع جمعی برقرار کند.

در این نوشتار با تأکید بر ضمانت اجرای حقوقی موجود (و نه کیفی) در پی ارائه پاسخ به این پرسش هستیم که چگونه می‌توان در ایران تعادل نسبی میان دو امر مهم - یعنی پاسداری از حیثیت از یک سو و تأمین آزادی بیان و نشر اطلاعات در جامعه از دیگر سو - برقرار کرد؟ در این خصوص، آیا می‌توان از معیار شخصیت مدعی موجود در حقوق مسئولیت مدنی آمریکا در طرح دعوای مسئولیت مدنی، بر مبنای ورود ضرر معنوی به حیثیت و یا نقض حریم خصوصی، بهره جست؟ به باور نگارنده، منفعت و مصلحت حیات جمعی و نیز رعایت حق آزادی بیان و لزوم نشر

۱. برای بررسی برخی از ریشه‌های آن در اسلام، نک. سید حسین صفایی، علی جعفری، «رابطه آزادی اطلاعات با

حریم خصوصی»، حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۶.

۲. برای مطالعه معضلات ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی و تهدیدات جدید، نک: همایون حبیبی، «حق بر

حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی»، تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۹۵ شماره ۷۵، ص ۳۹.

۳. Public profile



افکار و تبادل اطلاعات ایجاب می‌کنند که محدودیت بیشتری بر طرح دعاوی خسارت مدنی از سوی اشخاص عمومی که جامعه حق بر داشتن اطلاعاتی بیشتر در مورد ایشان (در مقایسه با یک شخص عادی) دارد، مقرر شود تا منفعت جامعه در دسترسی به اطلاعات پاسداری شود.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری بحث مطرح می‌شود. سپس دعاوی مسئولیت مدنی بر اساس دو عنوان لطمه به حیثیت و نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا بررسی خواهد شد. آنگاه امکان طرح معیار شخصیت عمومی و ارزش خبری در حقوق ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان نتیجه بحث ارائه خواهد شد.

۲. مبانی نظری

بی‌گمان دفاع از حریم خصوصی و وضع هر گونه مقرره یا ایجاد رویه و نهاد حقوقی خاص برای دفاع از حریم خصوصی نیازمند توجیه نظری درخور است. این توجیه یا توجیهات هم با فرهنگ عامی که بستر رشد و تحول نظام حقوقی است و هم با دیدگاه فلسفی پشتیبان این نظام حقوقی ارتباط دارد.

آدمی هم میل به ارتباط با دیگر انسان‌ها دارد و هم به‌جد در پی حفظ یک دایره شخصی و حفاظت‌شده برای خود است (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۱). این دو ویژگی موجب بروز قواعد و احکام خاص خود شده‌اند. به‌رغم حضور سنگین و ناگزیر جامعه در بسیاری از شئون حیات فردی، تجربه بسیاری از جوامع آن بوده است که برای افراد استقلال قائل شوند و افراد به تدریج آموخته‌اند که در امور شخصی و محرمانه یکدیگر دخالت نکنند (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۱). جامعه‌پذیری افراد با تفرّد آنان در تقابل قرار می‌گیرد؛ از این رو، نظام‌های حقوقی کوشیده‌اند این تقابل و تعارض را به حداقل برسانند و برای حفظ و حمایت از فردیت آدمیان، مفاهیم و اصولی همچون خلوت و حریم خصوصی را معرفی و تأمین نموده‌اند. اعتبار، حیثیت، شهرت، نام نیکو و آوازه

مفاهیمی هستند که برای بیان سرمایه‌ای ارزشمند نزد فرد فرد آدمیان به کار می‌روند.^۱

تعالیم دینی در ادیان مختلف، به نوبه خود در پی گرامیداشت و حفظ حیثیت افراد و عدم نقض خلوت آنان بوده‌اند. برای نمونه آیات گوناگون قرآن کریم به روش‌های مختلف و با مصادیق متعدد به موضوع حریم خصوصی اشاره کرده‌اند.^۲ در این خصوص، در قسمتی از آیه دوازده سوره حجرات آمده است: «هان، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها دوری گزینید که قطعاً برخی گمان‌ها گناه است و در زندگی این و آن جست‌وجو نکنید...». با گذر زمان، بسیاری از احکام فقهی مربوط به نقض حریم خصوصی^۳ وارد نظام حقوقی ایران شده‌اند.^۴

در برخی از کشورهای نظام کامن‌لا نیز حمایت از اعتبار و شهرت آغازگر معرفی ابزار قانونی برای حمایت از آنها شد (Dobbs, 2016, p.936). این حمایت با پیشگیری از توهین که می‌توانست موجب بروز خصومت و درگیری شود، آغاز شد. در انگلستان قرون وسطی، دادگاه‌های کلیسا^۵ سخن تحقیرآمیز با دیگران را به منزله گناه مجازات

۱. قانونگذار ایران در مواد یک و هشت قانون مدنی از واژگان «حیثیت، شهرت تجاری، و اعتبارات» استفاده کرده است.

۲. نک. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور. همچنین آیه ۱۲ سوره حجرات. منصور رحمدل، حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰ زمستان ۱۳۸۴ صفحه ۱۱۹، صفحه ۱۲۲.

۳. برای مطالعه برخی از مبانی فقهی حریم خصوصی، نک. باقر انصاری، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۲ (بحث دوم-حریم خصوصی در آیات قرآن و سنت اسلامی).

۴. برای نمونه، نک. قانون مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲. همچنین، نک: باقر انصاری، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶ زمستان ۱۳۸۳ (گفتنی است با توجه به تصویب قوانین جدید مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مباحث مرتبط با این دو قانون در این مقاله مورد نظر نیستند).

۵. Church courts



می‌کرد و کشیش برای فرد محکوم طلب بخشش می‌کرد (Ibid, p.937). رفته رفته کامن لا در موارد افتراء شفاهی دعاوی اخذ خسارت را معرفی کرد. (Ibid, p.937) اما افتراء کتبی تاریخی متفاوت داشته و با مقابله سختگیرانه‌تری در نظام‌های حقوقی در غرب مواجه شده است. به گفته دابز، در حدود سال ۱۶۰۰ و کمی پیش از آن در انگلستان کلام چاپ‌شده تهدیدی علیه ثبات سیاسی محسوب می‌شد، تا جایی که داشتن دستگاه چاپ نیاز به مجوز داشت (Ibid, p.937). در آمریکا نیز در ابتدا با جرم-انگاشتن نقد دولت سعی می‌شد تا از ابزار قانونی برای سرکوب مخالفان استفاده شود. امروزه، با شکست آن رویکرد، به طور گسترده بدگویی کتبی و شفاهی در قالب دعاوی مدنی قابل پیگیری است.

اما به‌رغم تلاش برای ارائه حمایت قانونی از شهرت اشخاص و حریم خصوصی آنان، این حمایت به تدریج با دیگر حقوق فرد در جامعه، از جمله حق بر آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات، در تقابل واقع شد. در این راستا وسایل انتقال اطلاعات، مانند مطبوعات، برای رشد فکری و بالابردن آگاهی‌های عمومی^۱ معرفی شده و ارزشی بسیار بالا در گردش آزاد اطلاعات و تأمین حق بر آزادی اطلاعات یافته‌اند. بر این اساس، برخی از نظام‌های حقوقی کوشش کرده‌اند میان ارزش‌ها و حقوق یادشده توازن ایجاد کنند.

اینک، با توجه به گسترش ابزارهای تبادل اطلاعات و پیدایش روزافزون دعاوی خسارت ناشی از نقض حریم خصوصی و لطمه به حیثیت، این امر را به‌ویژه در ارتباط با آزادی بیان، آزادی تبادل اطلاعات و نفع عموم جامعه در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا بررسی می‌کنیم.

۱. بند دو اصل سوم قانون اساسی ایران بر «بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی» تأکید کرده است.

۳. دعوای مسؤولیت مدنی بر اساس ادعای لطمه به حیثیت و نقض

حریم خصوصی

۳-۱. ادعای لطمه به حیثیت

در مقدمه اشاره شد که نظام‌های حقوقی برای پیشگیری از لطمه به حیثیت و نقض حریم خصوصی انواع راهکارهای حقوقی و کیفری را پیش‌بینی کرده‌اند. در این مقاله صرفاً به دعوای حقوقی مسؤولیت مدنی ناشی از لطمه به این دو را در نظام حقوقی ایران و آمریکا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در ایران می‌توان ضرر را به ضرر مادی و ضرر معنوی و ضرر بدنی تقسیم کرد. (کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۹۲، ص ۲۴۲). دکتر کاتوزیان ضرر معنوی را به دو دسته اصلی تقسیم کرده‌اند:

(۱) زیان‌های وارد به حیثیت و شهرت یا به طور خلاصه، آنچه در زبان عرف سرمایه یا دارایی معنوی شخص است.

(۲) لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که شخص، با از دست دادن عزیزان خود، یا ملاحظه درد و رنج آنان می‌بیند (کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۹۲، ص ۲۴۴).

آنچه در این نوشتار موضوع بحث ماست دسته اول-زیان وارده به سرمایه معنوی فرد- است (کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۶۱).^۱

در سال ۱۳۳۹ قانون مسؤولیت مدنی جبران ضرر معنوی لطمه به حیثیت یا شهرت را به رسمیت شناخت. ماده یک قانون مسؤولیت مدنی مقرر داشته است:

۱. در حقوق آمریکا مسؤولیت مدنی ویژه‌ای در ارتباط با دسته دوم فوق‌الذکر با نام «تحمیل رنج روحی» (Intentional Infliction of Emotional Distress) شناخته شده است که به دو شاخه عمدی (Intentional Infliction of Emotional Distress) و سهوی (Negligent Infliction of Emotional Distress) تقسیم می‌شود. هر چند ممکن است شخصی در اثر نقض حریم خصوصی و آسیب به حیثیت ادعای رنج روحی را مطرح کرده و از این باب نیز درخواست جبران خسارت کند، این دعوا و امکان و یا عدم امکان آن باید در مجال دیگری بررسی شود.



«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است لطمه‌ای وارد نماید که به موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

این ماده به صراحت امکان طرح دعاوی مسئولیت مدنی برای جبران خسارت وارده به حیثیت، شهرت تجاری و هر حق دیگری را که به موجب قانون شناخته شده را مقرر داشته است.^۱ در ماده ۸ این قانون نیز در رابطه با امکان طرح دعاوی خسارت به دلیل بدگویی مشخص شده است.

با وجود تمامی امکانات قانونی، به نظر می‌رسد قضات دادگاههای ما در شناسایی این دعاوی عزم عمومی نداشته و چنین دعوایی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.^۲ فارغ از این رویکرد و ایرادات وارد بر آن، به دلیل امکان طرح دعوا بر اساسی مبانی قانون مشروحه به ادامه بحث می‌پردازیم.

در حقوق مسئولیت مدنی آمریکا دو فصل جداگانه به بخشی از آنچه برخی از نویسندگان حقوقی ما حقوق شخصیت می‌نامند، اختصاص داده شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۲۶۱؛ بادینی، ۱۳۹۱، ص ۹۰)^۳ به دلیل روند تاریخی شناسایی این مسئولیت‌های مدنی، ابتدا بدگویی^۴ که خود شامل دو خطای افترا کتبی^۱ افترا لفظی^۲

۱. علاوه بر قانون مسئولیت مدنی، ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ در رابطه با هتک حیثیت حائز اهمیت است.

۲. برای نمونه، نک. عباس میرشکاری، حریم حرم، مطالعه یک پرونده در زمینه حریم خصوصی و مسئولیت مدنی، مجله کانون، اسفند ماه و فروردین ماه ۱۳۹۱ سال پنجاه و سوم و پنجاه چهارم شماره ۱۲۶ و ۱۲۷، ص ۱۵۷-۱۷۳ (در این پرونده قاضی با وجود اذعان به اهمیت حریم خصوصی و لزوم جبران خسارت مدنی از رأی به جبران خسارت به دلیل ورود ضرر معنوی پرهیز می‌کند).

۳. حسن بادینی، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱.

۴. Defamation.

است^۳ و سپس مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی^۴ مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدگویی و حریم خصوصی دو مسؤولیت مدنی مجزا می‌باشند که دارای ریشه‌ای واحدند: «هر دو عملی را شناسایی می‌کنند که به دلیل تغییر برداشتی که اشخاص ثالث از زیان‌دیده دارند و نحوهٔ معاوره با او، خطا و ضرر رسان اند» (Zipursky, 2012, p.307) و به همین دلیل نیز در دانشگاه‌های آمریکا به طور معمول در یک درس واحدی تحت عنوان «مسؤولیت مدنی پیشرفته: بدگویی و نقض حریم خصوصی» ارائه می‌شود.

۲-۳. بدگویی

بعد از جنگ استقلال آمریکا، با وجود متمم اول قانون اساسی این کشور که حق بر آزادی بیان را به رسمیت می‌شناسد،^۵ قانون ضد اغتشاش^۶ در سال ۱۷۹۸ به تصویب کنگره رسید. این قانون هر گونه نقد منفی دولت را جرم‌انگاری کرده بود (Zipursky, 2012, p.309). انقلاب فرانسه، مقامات آمریکایی را از آشوب و انقلابی دیگر در کشور خود هراسانده بود و انگیزه تصویب چنین قانونی را در آمریکا فراهم آورده بود (Zinn, 2015, p.105)^۷. هر چند این قانون بعدها برخلاف قانون اساسی آمریکا اعلام و

۱. Libel.

۲. Slander.

۳. افترا در اینجا برخلاف قانون مجازات اسلامی ایران صرفاً به معنی نسبت دادن جرم به شخص نیست و هرچند شامل آن نسبت نیز می‌شود.

۴. Invasion of Privacy.

۵. "Congress shall make no law ... abridging the freedom of speech or of the press..."

بر اساس دکترین ادغام (Incorporation Doctrine) ده متمم قانون اساسی آمریکا طبق متمم چهاردهم بر دولت های ایالتی نیز حاکمند.

۶. The Sedition Act.

۷. Howard Zinn, A People's History of the United States, Harper Perennial Modern Classics, 2015.



به کلی ملغی شد، تصویب و اعمال آن نشان دهنده روند کند تغییرات در حوزه قلمروی آزادی بیان در این کشور است. در ایران نیز هم اکنون جرم‌انگاری گسترده در زمینه توهین و افترا در قوانین مختلف قابل مشاهده است. با توجه به حوزه بحث نوشته حاضر از بررسی آن خودداری کرده و تحلیل آن را به نویسندگان حقوق جزا می‌سپاریم. اما مشاهده روند تغییر نگرش نظام‌های حقوقی دیگر بدین مسأله می‌تواند آموزنده باشد.

تا دهه ۱۹۶۰ در آمریکا، حقوقدانان بر این بارو بودند که دعاوی مدنی کامن‌لا بدگویی و نقض حریم خصوصی ایالتی بوده و تهدیدی نسبت به ارزش‌های آزادی بیان مقرر در قانون اساسی فدرال کشور محسوب نمی‌شود. «بلکه چنانچه قضات ادعان داشتند، حق بر آزادی بیان همراه با مسئولیت عدم سوء استفاده از آن به گونه‌ای که ناقض قوانین مسئولیت مدنی ایالتی نباشند، همراه بود» و همین همراهی برای برقراری توازن کافی بود. (Zipursky, 2012, p.308) چنانچه اصل لاضرر نیز در نظام حقوقی ما از سوء استفاده از حق منع می‌دارد. هیچ فردی اجازه ندارد برای اعمال حق خود اصول دیگر قانونی را زیر پا بگذارد، اما این اصول کلی کافی نبود. این قوانین ایالتی در آمریکا که تا آن زمان بر اساس قوانین کامن‌لا انگلیس شکل گرفته و پیش رفته بود طی پنجاه سال گذشته دچار تغییر رویکرد جدی شد.

بر این اساس اصول حاکم بر مسئولیت مدنی کامن‌لای پیش از تغییرات، دعاوی مسئولیت مدنی بدگویی (چه کتبی^۱ و چه شفاهی^۲) دارای سه ویژگی بود: (۱) احتیاجی به اثبات نقض تعهد رعایت احتیاط متعارف و یا اثبات ضرر نبود. (۲) حقیقت و یا دروغ بودن آنچه منعکس شده بود در ماهیت خطا تاثیری نداشت. به بیان دیگر، تنها انتشار مطلبی در رابطه با شخص الف به شخص ب که به شهرت و حیثیت

۱. Libel.

۲. Slander.

شخص الف ضرر می‌رساند برای طرح دعوا کافی بود و خواهان احتیاجی نداشت تا دروغ بودن آن را ثابت کند.^۱ هرچند خواننده می‌توانست با طرح صحت مطلب از خود دفاع کند.^۳ تصور معقول خواننده بر صحت مطلب در نتیجه دعوا تأثیری نداشت^۲ (Zipursky, 2012, p.318-319).

تغییر اصلی با دعوای نیویورک تایمز علیه سالیون صورت گرفت.^۴ این دعوا تلاشی برای برقراری تعادل میان حق بر آزادی بیان، مطبوعات و دعوای خسارت مسؤولیت مدنی بود (Sack, 2014, p.276)^۵ ویژگی‌های خاص این دعوا از جمله زمان و ماجرای سیاسی مسبب طرح دعوا، دست در دست هم داد تا رأیی متفاوت توسط دیوانعالی آمریکا صادر شود. برای فهم بهتر رأی دادگاه لازم است نگاهی به فضای سیاسی زمان دعوا داشته باشیم.

دعوای سالیون در اوج نهضت حقوق مدنی و برابری خواهی سیاه‌پوستان آمریکا مطرح شد که در جنوب آمریکا به رهبری مارتین لوتر کینگ^۶ در حال پیشروی بود.

۱. در این مقاله به جزئیات هر یک از ارکان دعوای بدگویی در نظام کامن لای آمریکا نمی‌پردازیم و با ذکر مقدمه وارد بحث اصلی خود یعنی معرفی معیار شهرت عمومی می‌شویم.

۲. طرح دعوای بدگویی علیه ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی در آمریکا توسط قانون فدرال Communication Decency Act در بخش ۲۳۰ محدود شده است. این قانون و آثار آن که از اهمیت خاص خود برخوردار است از بحث این مقاله خارج است. برای آشنایی با این موضوع نک. حمید ابهری، حمید میری، «پژوهشی تطبیقی پیرامون مسؤولیت مدنی ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی با تأکید بر حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا»، سال اول، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۱، ۲۸-۱.

۳. New York Times Co. v. Sullivan, 376 U.S. 254 (1964).

۴. Robert D. Sack, *New York Times Co. v. Sullivan--50 Year Afterwords*, 66 Ala. L. Rev. 273, 276 (2014).

۵. Martin Luther King Jr.

۶. توضیح آنکه، به‌رغم لغو برده‌داری در آمریکا، ایالات جنوب آمریکا همچنان قوانینی را اعمال می‌کردند که در پی جداسازی سیاه‌پوستان از سفیدپوستان داشت. این قوانین با عنوان جیم کرو (Jim Crow) معروف‌اند. برای نمونه، آب‌خوری‌هایی متفاوت برای سیاه‌پوستان اختصاص داده شده بودند، صندلی‌های اتوبوس سفیدپوستان از سیاه‌پوستان جدا بودند و مانند آنها. مبارزات سیاه‌پوستان به رهبری مارتین لوتر کینگ به جنبش حقوق مدنی



ماموران ایالت های جنوبی بیش از پیش عرصه را بر آزادی خواهان تنگ کرده بودند و مارتین لوتر کینگ به جرم شهادت دروغ در انتظار دادگاه بود. فردی به نام سالیون-کمیسری پلیس آلاباما-علیه روزنامه نیویورک تایمز به دلیل انتشار یک آگهی، در دادگاه ایالت آلاباما طرح دعوی خسارت کرد.^۱ دعوی که «تلاشی آگاهانه توسط مقامات ایالت آلاباما بود تا پوشش خبری از ایالات جنوبی آمریکا را تضعیف کرده و اقدامات دولت فدرال در لغو تبعیض نژادی را منحرف کنند» (Zipursky, 2012, p.322).

سالیون در دادگاه ایالتی پیروز شد اما روزنامه نیویورک تایمز با ادعای نقض متمم اول قانون اساسی شکایت خود را تا دیوانعالی آمریکا پیش برد. دیوانعالی آمریکا نیز در رأی تاریخی خود به نفع روزنامه نیویورک تایمز، اصول حاکم بر کامن لا در حوزه بدگویی را متحول کرده و مقرر داشته است قوانین افترا کتبی ایالتی مشروط به عدم نقض متمم اول قانون اساسی فدرال می‌باشند. براساس نظر دادگاه که به اتفاق آراء صادر شد، یک مقام رسمی^۲ برای پیروزی در دعوی خسارت مسئولیت مدنی جرم افترا کتبی باید ثابت کند^۳ که نه تنها مطلب دروغ بوده، بلکه

معروفند (Civil rights movement) و از اقداماتی که پس از آن برای یکسان‌سازی صورت گرفت با عنوان عدم تفکیک (desegregation) نام می‌برند. قوه قضائیه فدرال آمریکا پیشتر در رأی پلسی علیه فرگرسون در سال ۱۸۹۶ (Plessy v. Ferguson, 163. U.S. 537) بر ضد حقوق سیاه‌پوستان عمل کرده بود. در آن رأی اعلام شده بود قوانین تفکیک نژادی قانون اساسی آمریکا را نقض نمی‌کنند، زیرا «برابری در عین جدایی» (Separate but equal) امکان‌پذیر است اما با پویش‌های مردمی دیوانعالی آمریکا نیز به تدریج با جنبش‌های مدنی همراه شد و رأی پلسی را در پرونده بران علیه کمیته تحصیلات توپکا در سال ۱۹۵۵ نسخ کرد (Brown v. Bd. of Ed. of Topeka, Shawnee Cty., Kan., 347 U.S. 483) و چنین قوانینی را ناقض قانون اساسی دانست. رأی سالوین علیه نیویورک تایمز نیز بازتاب یکی از اقدامات قوه قضائیه برای همراهی با این جنبش بود. به همین دلیل اطلاع از حوادث سیاسی آن زمان برای تحلیل رأی الزامیست.

۱. برای مطالعه متن کامل رای، نک. <https://www.law.cornell.edu/supremecourt/text/376/254>.

۲. Public official.

۳. Actual malice.

منتشران نیز در زمان انتشار آن به دروغ بودن آن علم داشته یا نسبت به حقیقت و یا دروغ بودن آن مطلب به طور غیر قابل توجیهی بی تفاوت بوده‌اند.^۱ بدین صورت اگر فاعل افتراء سهواً امر دروغی را به مقام رسمی (و بعدتر کلیه اشخاص عمومی) نسبت داده باشد، به صرف بی احتیاطی در انتشار، ارکان دعوی مسئولیت مدنی ثابت نمی‌شود و امکان جبران خسارت وجود ندارد.

بدین ترتیب، رأی سالیون نظام کامن‌لای ایالتی مسئولیت مدنی بدگویی (و بعدها حریم خصوصی) را مشروط به عدم نقض ممتم اول قانون اساسی فدرال نمود.^۲ معیار لزوم اثبات سوءنیت در رابطه با خواهان مقام رسمی در تصمیمات بعدی دیوانعالی به شخصیت‌های عمومی^۳ در رابطه با موضوعاتی که به جامعه مربوط می‌شود نیز گسترش داده شد.^۴ طبق آن شخصیت‌های عمومی نیز، علاوه بر مقامات رسمی، برای طرح دعوی خسارت با محدودیت‌های بیشتری در مقایسه با اشخاص عادی روبه رو شدند.^۵

چنانچه در مقدمه اشاره شد، قانونگذار ایران به طور گسترده بدگویی را تحت عناوین توهین و افتراء جرم انگاری کرده است. با وجود این، فارغ از دعوی خسارت

۱. Knowledge of, or reckless disregard for, the statement's falsity.

۲. لازم به یاد آورید که مسئولیت مدنی در آمریکا به طور عمده پیرو نظام کامن‌لای می‌باشد و نه قوانین فدرال. به عبارت دیگر، نظام کامن‌لای در آمریکا سبب شده تا مقررات مسئولیت مدنی از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت باشد، همانگونه که هر ایالتی در آمریکا حتی دارای قانون اساسی مجزای خود می‌باشد اما با صدور رأی نیویورک تایمز، یک مقرر فدرال (براساس قانون اساسی فدرال آمریکا) به دعوی ایالتی این حوزه (بدگویی) اضافه شد.

۳. Public figure.

۴. *Curtis Pub. Co. v. Butts*, 388 U.S. 130 (1967).

۵. در پرونده ای دیگر به نام *Rosenbloom v. Metromedia, Inc.*, 403 U.S. 29, (1971) دیوان عالی آمریکا تلاش کرد تا معیار لزوم اثبات سوءنیت را به اشخاص عادی در رابطه با موضوعاتی که به عموم جامعه مربوط می‌شود نیز سرایت دهد اما پرونده با بازخورد منفی دادگاههای ایالتی رو به رو شد. به همین دلیل چهار سال بعد در پرونده ای دیگر به نام *Gertz v. Robert Welch, Inc.* 418 U.S. 323 (1974) از نظر خود عقب‌گرد کرده و این امکان را به دادگاههای ایالتی داد تا در رابطه با اشخاص عادی با معیار سنتی ایالتی تصمیم‌گیری کنند.



بعد از اثبات عناوین مجرمانه، فرد می‌تواند بدون طرح دعوی کیفری و مطابق مسئولیت مدنی در دو ماده یک و هشت با ادعای لطمه به حیثیت دعوی مدنی مطالبه خسارت طرح کند. این دعوا با توجه به اصول کلی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است که شرایط عمومی دعوی مسئولیت مدنی بر آن حاکم است. با وجود این می‌توان جبران خسارت به دلیل ورود ضرر در اثر انتساب جرم به دیگری را فاقد شرط اثبات خسارت کرد. به بیان دیگر، صرف انتساب جرم به دیگری در دید جامعه خطایی سنگین است که نیازی به اثبات ورود ضرر در این رابطه وجود ندارد و عرف ضرر را همراه با آن می‌داند.^۱

هر چند در حقوق کیفری ایران برای اثبات جرم افترا سوء نیت شرط است، چنین قیدی در قانون مدنی برای امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی که ناشی از بی‌احتیاطی و نه عمد است، جهت دریافت خسارت وجود ندارد.^۲ به علاوه در ایران صحبت از شهرت عمومی برای سخت‌گیرتر کردن آستانه اثبات دعوا امری غریب است. به عکس، در حقوق کیفری ایران، برای مثال، توهین به مقامات سیاسی از جمله عوامل تشدید مجازات است. همچنین قانونگذار کیفری ایران با شناسایی جرم نشر اکاذیب با

۱. در نظام کامن‌لا آمریکا، جبران خسارت برای برخی از بدگویی‌ها نیازمند اثبات ضرر نیست و صرف عمل ضرر تلقی می‌شود که به آن بدگویی محض می‌گویند. این بدگویی محض خود به بدگویی شفاهی محض (slander per se) و بدگویی کتبی محض (libel per se) تقسیم می‌شود. انتساب جرم به دیگری یکی از مواردی است که اثبات ورود ضرر برای طرح دعوا در آن رابطه لازم نیست. در ایران انتساب جرم به دیگری مجازات کیفری داشته و افترا نام دارد.

۲. ممکن است گفته شود در ایران بدون اثبات دعوی کیفری امکان طرح دعوی مدنی وجود ندارد، اما قانون مسئولیت مدنی ایران فاقد چنین شرطی است. افزون بر این، دعوی مسئولیت مدنی در اغلب موارد ناشی از خطای بی‌احتیاطی است و لزوم وجود عنصر عمد برای امکان طرح دعوا به دلیل ورود ضرر به حیثیت می‌تواند خارج از هدف قانونگذار مدنی تلقی شود و مردود است. در رأی دادگاه آمریکا نیز علم یا بی‌احتیاطی شدید شرط شده است و نه هر دو با هم.

ضمانت اجرای مجازات بدنی شلاق حساسیت بالای خود را نسبت بدین امور نمایان کرده است.^۱

۳-۳. شهرت عمومی^۲

دیوانعالی آمریکا با شناسایی معیار شهرت عمومی طرح دعوی این دسته از افراد را که اطلاعات رسانی پیرامون آنان با منفعت جامعه گره خورد است، تلاش کرد تا توازن نسبی میان حق جامعه در داشتن اطلاعات و عدم رواج بدگویی و نقض حریم خصوصی برقرار سازد. حال اشخاص دارای شهرت عمومی، جدایی از مقامات رسمی، چه کسانی هستند؟ دیوانعالی آمریکا این اشخاص را به دو دسته تقسیم کرده است: شخص دارای شهرت عمومی مطلق^۳ و شخص دارای شهرت عمومی با هدف محدود. شخص دارای شهرت عمومی مطلق به افرادی اطلاق می‌شود که دارای «قدرت و شهرت فراگیر»^۴ در اجتماع هستند (Dobbs, 2016, p.993) افرادی که خود را وارد یک بحث^۵ و جدال کرده و یا حتی ناخواسته در آن بحث قرار گرفته‌اند و تلاش کرده‌اند به نحوی در نتیجه آن تأثیر گذارند، شخص دارای شهرت عمومی با هدف محدود نام گرفته‌اند.^۶

۱. نک ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی.

۲. هر چند ترجمه ی معادل انگلیسی این مفهوم یعنی public figure به «شخص عمومی» نزدیک تر است، اما نگارنده برای جلوگیری از خلط مبحث مقاله با اشخاص حقوق عمومی عبارت شهرت عمومی را برگزیده است.

۳. All purpose public figure.

۴. Pervasive power and influence.

۵. Controversy.

۶. Limited purpose public figure.



۴. نقض حریم خصوصی^۱

حریم خصوصی مفهومی مبهم (راسخ، ۱۳۹۵، ص ۲۲) و سیال است و برداشت عرف از حریم خصوصی در طی زمان به دلیل رشد جوامع و حوادث اجتماعی تغییر کرده است و همچنان تغییر خواهد کرد. جوامع مختلف نیز فهم گوناگونی از حریم خصوصی دارند. عملی که در میان مردم یک کشور می‌تواند به معنای نقض حریم خصوصی باشد ممکن است در کشوری دیگر چنین نباشد. این تفاوت حتی از شهر به شهری دیگر نیز مشهود است.^۲ در نظام حقوقی ایران و آمریکا از حریم خصوصی که گاه نقض آن می‌تواند حتی موجب لطمه به حیثیت شده، حمایت شده است. در آمریکا، مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی به آرامی دچار تحول شد. مبنای شناخت حق کلی به نام حریم خصوصی و مسؤولیت مدنی ناشی از آن در نظام کامن‌لای آمریکا مقاله حق بر حریم خصوصی بود^۳ که در سال ۱۸۹۰ در مجله دانشگاه هاروارد منتشر شد.^۴

حق حریم خصوصی در مقاله وارن و برندیس با شش استثنا همراه بود که مهمترین آن از منظر ارتباط با نوشته حاضر، منع انتشار مطلبی است که به مصلحت عمومی مرتبط است. آنچه نظر، انتقاد و یا مرتبط با نفع عمومی است دارای چراغ سبز برای انتشار است (Warren, Brandeis, 1890, p.214). این دو نویسنده معتقد بودند

۱. Privacy.

۲. برای نمونه، می‌توان به فهم عرفی از پنجره مشرف در قم و استفاده گسترده از پنجره‌های مشبک در این شهر به منظور جلوگیری از اشراف و تفاوت آن با فهم عرفی مردم تهران از مشرفیت اشاره کرد. در این خصوص، نک. منصور رحمدل «حق انسان بر حریم خصوصی» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰ زمستان ۱۳۸۴ ص ۱۲۱.

۳. Samuel D. Warren and Louis D. Brandeis, *The Right to Privacy*, Harvard Law Review Vol. 4, No. 5 (Dec. 15, 1980).

۴. پیش از آن از حریم خصوصی در قالب‌های سنتی مانند انتشار اسرار در صورت نقض تعهد به حفظ اسرار حفاظت می‌شد.

برای تعیین معیاری برای شناسایی آنچه به مصلحت عمومی مرتبط است، می‌توان از معیار های موجود در دو خطای مدنی افترا کتبی افترا لفظی در نظام کامن‌لا بهره جست.

سال‌ها بعد، ویلیام پراسر مقاله مشهوری با نام حریم خصوصی منتشر کرد^۱ (Prosser, 1960, p.384). وی در این مقاله با بررسی رویه قضایی موجود تا سال ۱۹۶۰ به این نتیجه رسید آنچه دادگاهها زیر چتر حمایت از حریم خصوصی به رسمیت شناخته‌اند و نقض آن را مستحق جبران خسارت می‌دانند، تنها یک خطای مسئولیت مدنی به نام نقض حریم خصوصی نیست؛ بلکه چهار مسئولیت مدنی مستقل که هر کدام شرایط ویژه خود را داشته و لزوماً با یکدیگر یکسان نیستند توسط دادگاهها ناخواسته به رسمیت شناخته شده است. وی این چهار دسته را بدین شرح تقسیم بندی کرد: (۱) تجاوز به خلوت؛ (۲) انتشار عمومی حقایق خصوصی خجالت آور خواهان؛ (۳) انتشار آنچه خواهان را در انظار عمومی به گونه ای غلط نشان می‌دهد (ارائه تصویر غلط) و (۴) تصرف اسم و یا خصوصیات خاص فرد برای منفعت خواننده (Prosser, 1960, p.389).

مقاله پراسر به چارچوبی برای نگارش بازگویی قانون دوم مسئولیت مدنی آمریکا تبدیل شد^۲ و به همین دلیل در نظام قضایی آمریکا و آراء دادگاهها به طور گسترده نفوذ کرد.^۳ وجه مشترک تمامی این چهار مسئولیت مدنی حفاظت از حیثیت فرد در برابر اشخاص ثالث بود. علاوه بر این دسته از مسئولیت مدنی شناخته شده در کامن‌لا، امروزه در آمریکا قوانین فدرالی نیز به تصویب رسیده که از جنبه‌های دیگری از حق حریم خصوصی حمایت می‌کنند و همچنان ذیل چتر حقوق مسئولیت مدنی

۱. Privacy.

۲. به گفته زیپرسکی یکی از دلایل عمده تأثیر این مقاله آن بود که پراسر بعد از نگارش این مقاله، یکی از نویسندگان اصلی بازگویی قانون دوم مسئولیت مدنی شد.

۳. Restatement (Second) of Torts § 652A (1977).



هستند.^۱ همچنین ایالت‌ها ملزم به رعایت دستورهای و معیارهای این قوانین فدرالی هستند.

در حقوق ایران نیز نقض حریم خصوصی توسط قوانین کیفری و حقوقی مورد حمایت قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی را بدین شرح تعریف کرده است: «قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چهارچوب قانون، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات مربوط به آن دسترسی نداشته، یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند».^۲ در منشور حقوق شهروندی نیز حق حریم خصوصی به رسمیت شناخته شده و عدم انتشار اطلاعات شخصی افراد بدون رضایت و یا مجوز قانونی مورد تأکید قرار گرفته است.^۳ ایران همچنین عضو میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی سال ۱۹۶۶ است (صفایی، جعفری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸) که در ماده ۱۷ آن حق حریم خصوصی به رسمیت شناخته شده است.^۴ فارغ از مباحث مربوط به میزان و چگونگی ضمانت اجرای منشور حقوق شهروندی و میثاق، مواد مذکور نمایانگر دغدغه جامعه ایرانی پیرامون حفظ حیثیت افراد با حمایت از حریم خصوصی است.

۱. در این خصوص می‌توان به قانون حمایتی فدرال مرتبط با حفظ اسناد پزشکی (HIPPA)، قوانین محافظت از اسرار کارت‌های اعتباری و یا حفظ اسرار تحصیلی اشاره کرد. همچنین قوانین دیگری نیز بر وکلا، حسابداران و پزشکان حاکم بوده که از حفظ اسرار اشخاص حمایت می‌کنند.

۲. برای مطالعه تعاریف تطبیقی حریم خصوصی، به ویژه در نظام‌های اروپایی، نک. باقر انصاری، حریم خصوصی، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.

۳. در این منشور فصل حریم خصوصی بعد از بند مربوط به حق آزادی اندیشه و بیان و حق دسترسی به اطلاعات آمده است که خود می‌تواند نشانه‌توجه مدونان به رابطه این دو حوزه است. نک ماده ۳۸ و ماده ۴۲ منشور حقوق شهروندی.

۴. نک ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی سال ۱۹۶۶.

حمایت قانونگذار ما از حریم خصوصی به طور عمده در قوانین کیفری ایران قابل یافت است.^۱ با پیدایش تکنولوژی‌های نوین نیز جرم‌انگاری در این رابطه افزایش یافته است،^۲ اما علاوه بر قوانین کیفری، با توجه به مواد یک و هشت قانون مسئولیت مدنی، هم اکنون در صورتی که فرد مدعی شود نقض حریم خصوصی او سبب آسیب به حیثیت، اعتبار و یا شهرت وی شده است می‌تواند مطابق مواد مذکور طرح دعوی خسارت مدنی کند. مسئولیت مدنی موجود در این حوزه مبتنی بر تقصیر است که شرایط عمومی دعوی مسئولیت مدنی (ورود ضرر، تقصیر و رابطه سبب) حاکم است.

آنچه در بحث ما مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسئولیت مدنی ناشی از انتشار عمومی حقایق شخصی است.^۳ در آمریکا شناسایی این نوع از مسئولیت مدنی، از معیار های مسئولیت مدنی بدگویی استفاده می‌شود (Warren, Brandeis, 1890, p.214) و آنچه دارای ارزش خبری^۴ است به دلیل نفع عمومی اجازه انتشار می‌یابد.^۵ بر این اساس، ارزش خبری اطلاعات پیرامون اشخاص عمومی مانند بازیگران و سیاستمداران جزء استثنائات مسئولیت مدنی بر مبنای نقض حریم خصوصی است و مردم حق دسترسی به آن را دارند.

به عبارت دقیق‌تر ارزش خبری دفاعیست که در دعوی حریم خصوصی انتشار اطلاعات شخصی^۶ توسط خواننده مطرح می‌شود. ارزش خبری با مفهوم خبر به

۱. برای نمونه، نک. ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲. برای نمونه، نک. قانون جرایم رایانه‌ای فصل پنجم ماده ۷۴۴.

۳. Publication of private facts.

۴. Newsworthiness.

۵. برای بررسی مصادیق مشابه این نوع از مسئولیت مدنی در قوانین کیفری ایران، نک. علی جعفری، محمدرضا رهبرپور، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی داده‌ها در فقه امامیه و حقوق موضوعه، پژوهش حقوق خصوصی، بهار ۱۳۹۶ شماره ۱۸.

۶. Publicizing private life.



معنای جزئی متفاوت است و می تواند امور سرگرم کننده، تربیتی، امور جاری زندگی مانند تولد، مرگ و مانند آن را نیز در بر بگیرد. (Dobbs, 2016, p.1016)

برای مثال انتشار اخباری پیرامون روابط شخصی یکی از پرنفوذترین و ثروتمندترین شخصیت های هالیوود، هاروی واینستین،^۱ سبب شد تا وی از کار خود کناره گیره کرده، بسیاری از قربانی های رفتارهای غیر اخلاقی و غیر قانونی وی، که به دلیل ترس از نفوذ و قدرت واینستین سکوت کرده بودند، سکوت خود را شکسته و تقاضای پیگرد قانونی وقایع را داشته باشند.

۵. معیار شهرت عمومی و دفاع ارزش خبری در ایران

۵-۱. شهرت عمومی

یکی از مهمترین نتیجه های «وجود و حضور فعال مطبوعات واقع نمایی حیات فردی و اجتماعیست. حقیقت این است که شرط نخست ایجاد یک حکومت مطلوب یا دست کم اداره کارآمد و پذیرفتنی امور عمومی، آگاهی از واقعیت های فردی و اجتماعی است ...» (راسخ، ۱۳۹۲، ص ۴۲۰) به علاوه، «حقوق مسئولیت مدنی از طریق نوع واکنشی که به نقض حریم خصوصی دارد می تواند بر وضعیت حریم خصوصی اثر بگذارد و از این طریق به حمایت و یا تضعیف آن بپردازد» (وطن دوست، ۱۳۸۹، ص ۵).

از دیگر سو، تأثیر متقابل گسترش و یا محدود ساختن مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی بر آزادی بیان و آزادی مطبوعات قابل تأمل است (Dobbs, 2016, p.987). با آسانگیری طرح دعاوی خسارت مسئولیت مدنی زیر چتر نقض

۱. Harvey Weinstein.

حریم خصوصی، می‌توان نقد سازنده و روند تبادل اطلاعاتی که به نفع عمومی جامعه وابسته است را محدود و یا در صورت عکس، آزادتر ساخت.^۱

این امر به ویژه در جوامعی که مردم از آستانه تحمل پایین برخوردارند، اهمیت دوچندان دارد. در چنین جوامعی شاهد جرم‌انگاری گسترده در این زمینه هستیم. برای مثال در ایران جرم توهین چنان فراگیر است که دستگاه قضایی را در این رابطه کم‌توان کرده است.^۲ (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴، ص ۴۹۰).

در جامعه ایران، زمانی که جرم زدایی از توهین امری دور از دسترس به نظر می‌رسد، شایسته است با در نظر داشته مصلحت عمومی و سرسختی در اجازه طرح دعوا نسبت به اعمالی که در آزادی بیان و آزادی مطبوعات نقش دارند اجازه دهیم جامعه به نیاز خود به گفتگو و رسیدن به شفافیت و مسؤولیت پذیری اشخاص عمومی نسبت به اعمال و گفتار خود دست یابد. به همین جهت پیشنهاد می‌شود تا از معیاری مشابه با شهرت عمومی موجود در مسؤولیت مدنی بدگویی در آمریکا در دعاوی مسؤولیت مدنی ایران تا آنجا که مخالفتی با قانون و عرف جامعه ما نداشته باشد، بهره جوییم.

اهمیت تفاوت طرح دعاوی مسؤولیت مدنی یک شخص دارای شهرت عمومی با یک شخص عادی در ایران در آن است که دعاوی اشخاص دارای شهرت عمومی با

۱. موضوع مقاله ما دعاوی مسؤولیت مدنی شخص دارای شهرت عمومی به دلیل نقض حریم خصوصی و لطمه به حیثیت بوده که با دعوایی که بر مبنای Right of Publicity مطرح می‌شود متفاوت است. در ایران این حق، حق بر تصویر ترجمه شده است. هرچند برخی از مباحث مطرح شده در این مقاله ممکن است با آن حق همپوشانی پیدا کند اما حق بر تصویر که وارد حوزه مالکیت فکری نیز می‌گردد، مبانی و آثار متفاوتی دارد. برای مطالعه پیرامون حق تصویر نک. عباس میرشکاری، استثنای‌های حق تصویر، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۴۵۱-۴۷۲.

۲. دکتر میرمحمدصادقی در کتاب جزای اختصاصی خود به نقل از رئیس کل دادگستری استان اصفهان اشاره می‌کند که ارتکاب جرم توهین تنها در تیرماه ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۶۰۰ مورد و در مرداد ماه بیش از ۳۴۰۰ مورد بوده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۴۹۰).



منفعت اجتماع گره خورده است. طرح گسترده چنین دعاوی از سوی اشخاص عمومی می‌تواند بر ترس افراد عادی در بیان نظر و نقد خود افزوده و چهره‌ای پیشگیرانه از اعمال حق افراد عادی اعمال کند. به علاوه، شخص دارای شهرت عمومی به دلیل توان اثرگذاری بیشتر خود در میان افراد جامعه در مقایسه با شخص عادی، آسان‌تر می‌تواند به اصلاح آنچه موجب لطمه به شخصیت خود شده برآید و احتیاج کمتری به حمایت قانونگذار دارد. برای مثال یک ستاره سینما می‌تواند با انتشار بیانیه‌ای مخاطبان خود را در سطح گسترده‌ای از دروغ بودن آنچه منتشر شده آگاه سازد، امری که برای یک فرد عادی در جامعه امکان‌پذیر نیست. در نتیجه حتی درجه ضرر وارده به شخص دارای شهرت عمومی با ضرر وارد شده به یک شخص عادی قابل مقایسه نیست. از دیگر سو، شخص دارای شهرت عمومی، برای مثال یک مقام رسمی، با ورود به عرصه عمومی مانند سیاست و یا هنر و مانند آن خطری که همراه چنین حرفه‌ای نیز می‌باشد را قبول می‌کند.^۱ به عبارت دیگر، در ازای مزایایی که کسب شهرت در جامعه برای فرد به همراه دارد، حریم خصوصی محدودتر برای وی در مقایسه با یک فرد عادی حاصل می‌شود. البته این محدودیت در حریم خصوصی پیرامون موضوعات مرتبط با فرد است که به منفعت عمومی جامعه مرتبط است.

بدین ترتیب، منفعت جامعه ایجاب می‌کند تا در موضوعاتی که به عموم جامعه مرتبط است افرادی که دارای شهرت عمومی هستند تنها در صورتی امکان طرح دعاوی مسئولیت مدنی به منظور اخذ خسارت داشته باشند که بتوانند ثابت کنند علاوه بر اثبات ورود خسارت بر حیثیت خود و دروغ بودن امر منتشر یافته، خوانده در انتشار مطلب موجب ضرر سوء نیت داشته و یا نسبت به حقیقت و یا دروغ بودن

۱. از منظر اخلاقی نیز با چنین معیاری می‌توان از گسترش رذایل اخلاقی مانند دورویی، تملق و مانند آنها در میان شخصیت‌های عمومی، که رفتارشان تاثیری انکارناپذیر بر افکار عموم جامعه دارد، کاست.

آن مطلب به طور غیر قابل توجیهی بی تفاوت بوده است.^۱ به عبارت دیگر فرد انتساب دهنده باید با علم به دروغ بودن اقدام به انتشار مطلبی در رابطه با یک شخص دارای شهرت عمومی کرده باشد یا نسبت به اطمینان پیدا کردن از حقیقت امر کاملاً بی توجه و بی تفاوت بوده باشد. در حقوق کیفری ما جرم افترا که انتساب عمل مجرمانه به شخص است نیاز به اثبات سوءنیت دارد، در حالی که برای طرح دعوای مدنی لطمه به حیثیت چنین قیدی وجود نداشته و طرح دعوای مدنی برای مدعی بسیار آسان است. اشخاص دارای شهرت عمومی اشخاصی هستند که در عرف جامعه دارای قدرت نفوذ بوده و از میزانی از شناخت عمومی در سطح جامعه برخوردارند. بار اثبات «شهرت عمومی» یک فرد (خواننده دعوا و مدعی لطمه به حیثیت) بر عهده خواننده بوده و تشخیص دارا بودن شخصیت عمومی با دادگاه است. برای مثال نمی توان فردی را به صرف داشتن رابطه سببی یا نسبی با اشخاص مشهور و یا اشتراک در نام فامیلی شخص دارای شهرت عمومی دانست. در غیر این صورت چنین معیاری سبب خواهد شد تا جمع کثیری از اقوام یک شخص مشهور ناخواسته به شخص دارای شهرت عمومی تبدیل شوند.

می توان این تفاوت و معیار شهرت عمومی و خصوصی را در ایران با معیار حرز در مجازات سرقت مقایسه کرد. سرقت با شکست حرز ضمانت اجرای سنگین تری را به همراه دارد و عدم وجود حرز با ضمانت اجرای خفیف تر همراه است.^۲ به علاوه

۱. مطابق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، افترا جرمیست که طی آن فرد امری مجرمانه را به دیگری نسبت می دهد که نمیتواند صحت آن را ثابت کند. برای تحقق این جرم وجود سوءنیت مرتکب لازم است. به دیگر سخن، مرتکب باید «عمل نسبت داده را عامداً انجام دهد.» همچنین به جرم بودن نسبتی که به قربانی می دهد و دروغ بودن آن آگاه باشد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۵۲۸) صرف بدنامی و یا ایجاد بدبینی جرم افترا را ثابت نمی گرداند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۵۳۱). تفاوت بحث ما با جرم افترا، ضمن وجود شباهت هایی در معیار اثبات دعوا، آن است که شرط جرم بودن عمل انتسابی به فرد جهت طرح دعوای مدنی لطمه به حیثیت وجود ندارد. ۲. ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی. هتک حرز در صورت اجتماع سایر شرایط از موجبات حد است.

درک عرف در چپستی حرز نیز مؤثر است.^۱ به همین ترتیب نیز حریم خصوصی شخص دارای شهرت عمومی بر مبنای اعمال خود با حریم خصوصی شهروند عادی متفاوت است.

قضات ایران می‌توانند برای کمک به ارتقاء آزادی بیان در جامعه و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری بالاتر میان اشخاص عمومی و به ویژه کاستن از دعاوی واهی، تفاوت میان اشخاص عمومی و اشخاص خصوصی را در آراء قضایی خود اعمال کنند.

برای مثال دانولد ترامپ در دادگاهی در نیوجرسی علیه نویسنده کتاب «دودمان ترامپ: هنر دائلود بودن»^۲ طرح دعاوی بدگویی کرد.^۳ ترامپ مدعی شد که نویسنده کتاب، تیموتی اوبراین به عمد ثروت وی را کمتر اعلام کرده است! اوبراین در کتاب خود ترامپ را میلیونر دانسته است حال آنکه ترامپ مدعی است وی یک میلیاردر است. دادگاه در سال ۲۰۱۱ رأی نهایی خود را به نفع اوبراین صادر کرد که بر اساس آن ترامپ شکست خورده و به دلیل آنکه وی یک شخص دارای شهرت عمومی است، نتوانست دادگاه را به وجود سوء نیت در اظهارات نویسنده کتاب قانع کند. این دعوا قبل از ریاست جمهوری ترامپ مطرح شد اما در آن زمان نیز ترامپ از شهرت کافی در آمریکا برخوردار بود.^۴

۱. به موجب ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی: «حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می‌ماند».

۲. Trumpnation: The Art of Being the Donlad.

۳. Trump v. O'Brien, 422 N.J. Super. 540, 543, 29 A.3d 1090, 1092 (App. Div. 2011).

۴. برای ملاحظه پرونده‌ای دیگر که در آن شاکی علیه دانولد ترامپ پس از ریاست جمهوری وی طرح دعاوی بدگویی کرده است اما موفق به پیروزی نشد نک:

Clifford v. Trump, 339 F. Supp. 3d 915, 925 (C.D. Cal. 2018).

۵-۲. دفاع ارزش خبری

بدیهی است انتشار اطلاعاتی که در دسترس عموم است و یا از طریق قانونی قابل دستیابی است نمی‌تواند مبنایی برای طرح دعوی مدنی خسارت به دلیل لطمه به حیثیت شود. قانون طبوعات ایران مصوب ۱۳۶۴ نیز در ماده ۵ مقرر داشته است: «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است». به عبارت دیگر «موضوع آزادی اطلاعات، مسائل عمومی و غیرشخصی است و موضع حریم خصوصی مسائلی است که وارد حوزه عمومی نشده است» (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵). اما هرچند داشتن «ارزش خبری» یک مطلب منتشر شده در رابطه با شخص دارای شهرت عمومی می‌تواند دفاعی از سوی خواننده برای رفع مسئولیت خود نسبت به اتهام لطمه به حیثیت خواهان باشد، استفاده از معیار شهرت عمومی نیز نمی‌تواند مجوزی برای دستبرد به اطلاعات شخصی اشخاص عمومی شود. چه آنکه چنین امری جدای از منع قانونی می‌تواند نتایج زیانبار و معکوسی را نیز در گسترش حق بر آزادی بیان و دسترسی و نشر اطلاعات در جامعه به همراه داشته باشد.^۱ نقل شده است که در اواخر دوره قاجار که آغاز شکل‌گیری نقش مهم مطبوعات بود، سرکشی اصحاب رسانه به حریم خصوصی ولیعهد وقت سبب شد وی به نایب السلطنه نامه نوشته و خواستار تنبیه آنان شد (راسخ، ۱۳۹۲، ص ۴۲۵).^۲ اما «خصوصی‌ترین مسأله وقتی وارد حوزه عمومی شد و تبدیل موضوع در آن رخ داد، مشمول حکم آزادی اطلاعات می‌شود. به عبارت دیگر، حریم خصوصی تخصصاً از آزادی اطلاعات خارج

۱. در این زمینه نک. قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ ماده ۵۸.

۲. محمد راسخ، مطبوعات و دموکراسی: آزاد اما اخلاقی، در کتاب حق و مصلحت، جلد ۲، نشر نی ۱۳۹۲.



است نه تخصیصی»^۱ (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵)؛ بنابراین اعمال معیاری سختگیرانه تر برای اثبات نقض حریم خصوصی اشخاص دارای شهرت عمومی به دلیل عمل خود فرد و قراردادن داوطلبانه خود در عرصه عمومی است.

شکایت پی در پی شخص دارای شهرت عمومی و لزوم دخالت نظام قضایی سبب ایجاد ترس و دلهره در میان افراد جامعه در بیان حقایق و یا انتقاد سازنده از شخص دارای شهرت عمومی می‌شود که منجر به محدود کردن فضای تبادل اطلاعاتی است. با به‌کارگیری معیاری سرسختانه‌تر (اثبات سوء نیت به معنی علم به دروغ بودن مطلب و یا اثبات بی‌توجهی نسبت به حقیقت و یا دروغ بودن مطلب منتشر شده است) در طرح دعاوی مسئولیت مدنی لطمه به حیثیت شخص دارای شهرت عمومی، به ایجاد بستری بازتر برای تبادل اطلاعات در جامعه، رشد فکری، و حمایت از حقوق فردی، کمک خواهیم کرد و به یکی از نشانه‌های جامعه‌ای مطلوب که عدم لکتند شهروندان در بیان انتقاد از اشخاص دارای شهرت عمومی در جامعه است، نزدیک‌تر خواهیم شد.^۲ قضات می‌توانند براساس عرف و ملاحظات جامعه و بر اساس منفعت

۱. نویسندگان در ادامه اذعان می‌کنند: «به رغم خروج تخصیصی ممکن است در مواردی استثنائی به دلیل مصلحت اهمی، قانونگذار آنچه را موضوعاً خارج از حیطه آزادی اطلاعات باشد حکماً داخل کند. بر مبنای خروج تخصیصی (نظریه مختار)، در موارد شک در موضوع، مورد مشکوک را نمی‌توان با اجرای اصل داخل در یکی از موضوعات قرار داد. البته چون شک به تکلیف بر می‌گردد، نهایتاً با اجرای اصاله البرائه، آزادی اطلاعات بر حریم خصوصی غلبه می‌کند» (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

۲. حضرت علی (ع) در نامه معروفشان به مالک اشتر فرموده‌اند: و پاره ای از وقت خود را برای نیازمندان قرار بده که در آن وقت خویشان را برای ایشان آماده ساخته، در مجلس عمومی بنشین؛ پس برای خدایی که تو را آفریده، فروتنی کن و لشکریان و دربانان از نگهبانان و پاسداران خود را باز دار تا سخنران ایشان بی لکتند و گرفتگی زبان و بی ترس و نگرانی سخن گوید، که من از رسول خدا بارها شنیدم که می فرمود: هرگز امتی پاک و آراسته نگرده که در آن امت، حق ناتوان بی لکتند و ترس و نگرانی از توانا گرفته نشود. نک. زهرا رضائیان، آزادی بیان؛ سفارش امام علی (ع)، ۱۳۹۱/۸/۳۰.

آزادی-بیان-سفارش-امام-علی-علیه-السلام-/-226666/article.tebyan.net

عمومی در دانستن و ارزش اطلاع رسانی امری تصمیم گرفته و در رابطه با وجود ارزش خبری مطلب انتشار یافته رای دهند.^۱

۷. نتیجه گیری

عدم لطمه به حیثیت و حفظ حریم خصوصی از جمله اصولی هستند که در جوامع مدنی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. حمایت از این اصول در نظام‌های حقوقی گوناگون دارای جنبه کیفری، مدنی، یا هر دو هستند. بر مبنای ضمانت اجرای مدنی، زیان-دیده می‌تواند طرح دعاوی مسئولیت مدنی برای اخذ خسارت کند.

در آمریکا برای جلوگیری از لطمه به حیثیت، دعاوی به دو دسته اصلی بدگویی و نقض حریم خصوصی تقسیم شده‌اند. در این کشور با تأکید بر حق بر آزادی بیان و تبادل اطلاعات، اشخاص دارای شهرت عمومی با محدودیت‌های بیشتری در طرح دعاوی خسارت مواجه هستند. این محدودیت‌ها تلاشی برای برقراری تعادل میان دو حق بر داشتن حریم خصوصی و حیثیت فرد از یک سو، و آزادی بیان و نفع جامعه در تبادل اطلاعات از سوی دیگر است.

در ایران، بسیاری از متون حقوقی و نویسندگان تأکید بیشتری بر جنبه نقض حریم خصوصی و لطمه به حیثیت داشته و گاه حقوق دیگر از جمله حق بر آزادی بیان و مصلحت و منفعت جامعه در داشتن اطلاعات مورد غفلت قرار می‌گیرد. با شناسایی معیار شهرت عمومی در حقوق مسئولیت مدنی ایران و لزوم اثبات سوء نیت خواننده- به معنی علم به دروغ بودن مطلب منتشر شده و یا اثبات بی‌توجهی و بی-تفاوتی خواننده نسبت به حقیقت و یا دروغ بودن مطلب منتشر کرده- در دعاوی که موضوع آنها به عموم جامعه مرتبط است، می‌توانیم سختگیری بیشتر در اثبات ادعای نقض حریم خصوصی اشخاص دارای شهرت عمومی را داشته باشیم. بدین ترتیب از

۱. استناد به ارزش خبری بیشتر در دعاوی مربوط به مطبوعات در حقوق ایران قابل پیگیری است.

میزان دعاوی مسؤولیت مدنی و تقاضای خسارت کاسته و تلاشی در رعایت توازن میان حق بر داشتن حریم خصوصی و نفع جامعه در نشر و دسترسی به اطلاعات داشته‌ایم.

۸. منابع

۱-۸. فارسی

۱. انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳.
۲. انصاری، باقر، حریم خصوصی، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
۳. بادینی، حسن، «مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر» فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۱ بهار ۱۳۹۱.
۴. توسلی جهرمی، منوچهر، حکومت قانون و جامعه مدنی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مرکز مطالعات حقوق بشر، ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۵.
۵. جعفری، علی، محمدرضا رهبرپور «مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی داده‌ها در فقه امامیه و حقوق موضوعه»، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶.
۶. حاج زاده، هادی، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم منفعت عمومی، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳.
۷. راسخ، محمد، بیات کمیته‌ی، مهنان، «مفهوم مصلحت عمومی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۰.
۸. حبیبی، همایون، «حق بر حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی، تحقیقات حقوقی»، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۵.
۹. راسخ، محمد، دومانلو، فاطمه، «نانوفناوری و حریم خصوصی: نگاه اخلاقی و حقوقی» فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال یازدهم، شماره ۱ ۱۳۹۵.

۱۰. رحمدل، منصور، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۴.
۱۱. راسخ، محمد، مطبوعات و دموکراسی: آزاد اما اخلاقی، حق و مصلحت، نشر نی، ۱۳۹۲.
۱۲. رضائیان، زهرا، آزادی بیان؛ سفارش امام علی (ع)، <https://article.tebyan.net/226666/> آزادی بیان-سفارش امام-علی-علیه-السلام- (۱۳۹۱/۰۸/۳۰).
۱۳. صفایی، سید حسین، جعفری، علی، «رابطه آزادی اطلاعات با حریم خصوصی، حقوق اسلامی» سال نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۱.
۱۴. میرشکاری، عباس، «حریم حرم، مطالعه یک پرونده در زمینه حریم خصوصی و مسؤولیت مدنی» مجله کانون، اسفند ماه و فروردین ماه ۱۳۹۱ سال پنجاه و سوم و پنجاه چهارم شماره ۱۲۶ و ۱۲۷.
۱۵. میرشکاری، عباس، «استثناهای حق تصویر، مطالعات حقوق تطبیقی»، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۶. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
۱۷. وطن دوست، نگین، «مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی»، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حسن بادینی، ۱۳۸۹.
۱۸. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.

۲-۸. انگلیسی

الف) پرونده‌های حقوقی

19. Plessy v. Ferguson, 163. U.S. 537 (1896).
20. Abrams v. United States, 250 U.S. 616 (1919).
21. Whitney v. California, 274 U.S. 357, 376 (1927).
22. United States v. Associated Press, 52 F.Supp. 362 (1943).



23. New York Times Co. v. Sullivan, 376 U.S. 254 (1964).
24. Curtis Pub. Co. v. Butts, 388 U.S. 130 (1967).
25. Rosenbloom v. Metromedia, Inc., 403 U.S. 29, (1971).
26. Gertz v. Robert Welch, Inc. 418 U.S. 323 (1974).
27. Contemporary Mission, Inc. v. New York Times Co., 842 F.2d 612 (2d Cir. 1988).
28. Wayment v. Clear Channel Broad., Inc., 116 P.3d 271 (2005).
29. Trump v. O'Brien, 422 N.J. Super. 540, 543, 29 A.3d 1090 (App. Div. 2011).
30. Clifford v. Trump, 339 F. Supp. 3d 915, 925 (C.D. Cal. 2018).

ب) کتب و مقالات

31. Howard Zinn, A People's History of the United States, Harper Perennial Modern Classics, 2015.
32. John Goldberg Benjamin Charles Zipursky, The Oxford Introduction to U.S. Law Torts, Oxford, 2010.
33. Dan B. Dobbs, Paul T. Hayden, Ellen M. Bublick, HORNBOOK ON TORTS, 2nd ed, 2016.
34. Robert D. Sack, Sack on Defamation: Libel, Slander & Related Problems, Practising Law Institute, 5th ed., 2017.
35. Daniel E. Ho & Frederick Schauer "Testing the Marketplace of Ideas" 90 N.Y.U. L. Rev, 1166, 2015.
36. Robert D. Sack, "New York Times Co. v. Sullivan--50 Year Afterwords" 66 Ala. L. Rev. 273, 2014.
37. Joseph Blocher "Institutions in the Marketplace of Ideas, 57" Duke L. Rev. 821, 2008.
38. Samuel D. Warren and Louis D. Brandeis "The Right to Privacy" Harvard Law Review Vol. 4, No. 5, Dec. 15, 1980.
39. William L. Prosser "Privacy" 48 California Law Review, 383, 1960.
40. Restatement (Second) of Torts § 652A, 1977.

41. The Bluebook: A Uniform System of Citation, Columbia Law Review Ass'n et al. eds., 20th ed., 2015.